

## بررسی تاریخ حیات اجتماعی و اقتصادی مردمان روستای جامخانه

رضا عبادی جامخانه<sup>۱</sup>

حبیب‌الله بالویی جامخانه<sup>۲</sup>

روح‌الله بازاری جامخانه<sup>۳</sup>

عمران بالویی جامخانه<sup>۴</sup>

علیرضا بازاری جامخانه<sup>۵</sup>

قاسم باقری<sup>۶</sup>

### چکیده

روستای جامخانه (۳۶ درجه عرض شمالی و ۵۳ درجه طول شرقی) یکی از بزرگترین روستاهای مازندران واقع در شهرستان ساری بخش میاندرود بزرگ هست این سرزمین کهن تاریخی، به مانند یک تمدن بزرگ دارای مراحل مختلف زندگی بشری بوده، وجود کارگاه‌های سفال‌سازی و کوزه‌گری، ذوب فلزات و گورهای قبل از اسلام و کشف ظروف سفالی از دوره‌های مختلف تاریخی در جامخانه (نگهداری در موزه بابل) و وجود بقایای مکان‌های دفاعی و سکونت در مناطق جنوبی روستای جامخانه بوده است. همچنین کشف سکه‌های متعدد (فلوس و طبری) با توجه به دوره‌های متعدد بیانگر این نکته هست که روستای جامخانه فعلی و زمین‌های کشاورزی مجاورش به ویژه در "ازارک" تمدنی بزرگ خفته است. با توجه به عنوان پژوهش روش تحقیق در مقاله حاضر از نظر هدف کاربردی است از آنجا که قصد اصلی پژوهش گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه باپیران، گالش‌ها و چوپانان روستای جامخانه بوده، روش تحقیق کیفی پدیدارشناسی استفاده شده تا به بررسی سؤالات پرداخته و نتایج تحقیق نشان می‌دهد ابزارآلات معیشتی و نظامی جنگل‌نشینان باستانی مردم جامخانه در استان مازندران را چنین عنوان نمود: ۱- ابزارآلات نظامی: از قبیل: خنجر، تبر، شمشیر، نیزه‌های سنگی ۲- ابزار مذهبی: مانند: انواع مهره جات از جنس مفرغ، استخوان، گل رس، شیشه ۳- وسایل معیشتی چون: انواع سکه‌های مسی، فلوس، نقره، گاو هشته (گو هشته) وسیله‌ای برای شخم‌زدن به زمین توسط گاوهای نر.

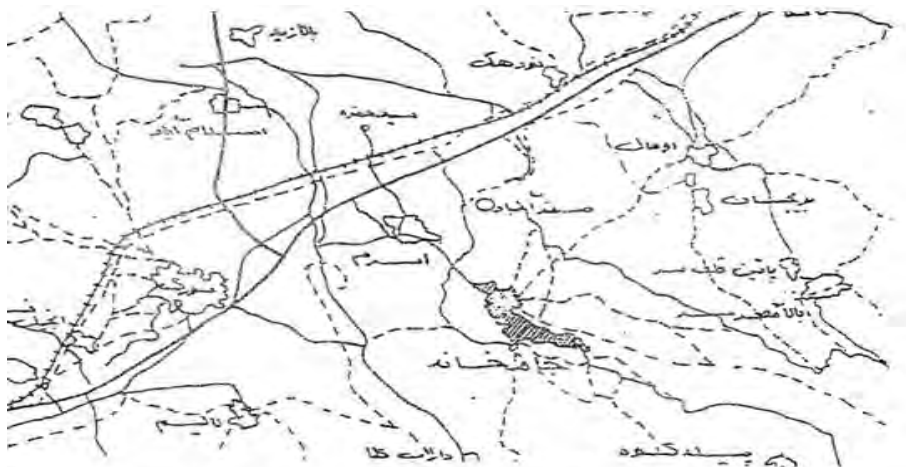
**کلید واژگان:** ابزارهای معیشتی جنگل‌نشینان باستانی، روستای جامخانه، میاندرود بزرگ.

- 
۱. پژوهشگر فرهنگ عامه روستای جامخانه، دبیر آموزش و پرورش شهرستان نکا.
  ۲. پژوهشگر فرهنگ عامه روستای جامخانه، معاون دبستان شهید اشجعی آموزش و پرورش شهرستان نکا.
  ۳. پژوهشگر فرهنگ عامه روستای جامخانه.
  ۴. پژوهشگر فرهنگ عامه روستای جامخانه.
  ۵. پژوهشگر فرهنگ عامه روستای جامخانه.
  ۶. پژوهشگر فرهنگ عامه روستای جامخانه، معاون دبیرستان شهید باقری جامخانه آموزش و پرورش شهرستان میاندرود.

## مقدمه

سرگذشت مردمانی که در این روستای بزرگ و تاریخی زیست کرده‌اند بسیار جالب و درعین حال خفته و خاموش در خاک‌هاست. روستای جامخانه در قسمتی از کشور ایران، استان مازندران واقع در شهر ساری بخش میانرود بزرگ قرار دارد و مرز بین دو شهر نکا و ساری است. این روستا در ۳۶ درجه و ۳۶ دقیقه عرض شمالی و ۵۳ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی با ارتفاع ۲۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد. جامخانه در پایین‌ترین بخش تپه‌ای رشته کوه‌های البرز قرار گرفته است، به لحاظ آب و هوایی جامخانه روستایی در کوه و دشت و نسبت به دیگر روستاهای ساری تفاوت جزئی دارد.

بنا به گفته پیران که آنان نیز از گذشتگان خود نقل می‌کنند وجه تسمیه و نام روستا بدین سبب بوده است که گویا جام جمشید جم در ازمینه قدیم در این منطقه دفن شده است وجود چنین سوابقی باعث شده است که برای پیدا کردن گنج مردم روستا و دیگر افراد دست به حفاری‌های متعددی در نقاط مختلف روستا بزنند. در سال‌های اخیر حدود ۳۴ ظرف سفالی مربوط به سه هزار سال قبل کشف شد. (عبادی، محمدرضا، ۱۳۷۵) روستای جامخانه به خاطر موقعیت ارتباطی و گستردگی زمین‌های زراعتی و متصل بودن به جنگل اهمیت خاصی داشته و دارد. سند و دلیل کافی وجود دارد که سابقه روستا را به سه هزار سال می‌رساند و اهالی روستا می‌گویند اولین ساکنین در این روستا قبلاً در آچند<sup>۱</sup> ساکن بوده‌اند که محل آن در دره‌ای به موازات جامخانه فعلی معروف به ازارک<sup>۲</sup> بوده است که در پی زلزله و خشک شدن منابع آبی به محل فعلی و کنونی نقل مکان کردند. «در سفرنامه رابینو نیز آمده است که جامخانه موضعی است از می‌آندرود در فرح‌آباد مازندران) و در فرهنگ جغرافیایی ایران نیز آمده است دهی از دهستان می‌آندرود و رود بزرگ بخش مرکزی ساری در ۱۶ هزار گزی جنوب غربی شهرستان ساری و ۹ هزار گزی شهر نکا و ۳ هزار گزی راه شوسه قرار دارد و در دامنه واقع است و تعداد سکنه آن ۲۲۲۰ نفر و آب مشروب روستا نیز از چشمه تأمین و صنایع دستی آن بافت پارچه‌های نخی است و جاده‌های آن مال‌رو است و محصول کشاورزی آن غلات و پنبه است. (عبادی، ۱۳۹۵)



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی روستای جامخانه در میانرود

وجه تسمیه روستای جامخانه (Jamkhaneh) جامخانه مرکب از دو جزء جام Jam که به معنی: ۱- پیاله، ساغر ۲- ظرفی برنجین که در آن آب خورند. ۳- قطعه بزرگ شیشه و جزء دوم خانه Xana که به معنی اطاق، منزل، کاروانسرا. و بنا به گفته پیران محل نام این روستا بدین سبب بوده است که گویا به گفته جام جمشید در ازمنه قدیم در این منطقه دفن شده است و به خاطر همین به آن گفتند جامخانه البته به معنای ساختمانی که تشکیل شده از شیشه باشد را هم گفته‌اند. (عبادی، ۱۳۹۵)

من جام جم گرفته و با خود در این سخن کائن جام خانه فلکی چون توان شکست  
از مدح شاه و جام می لعل چاره نیست تا پای بست گردش این جام خانه‌ایم

(مجیر بیلقانی قرن ششم ق)

در کتاب تاریخ دو هزار ساله ساری نوشته حسین اسلامی نقل شده، ساری یکی از شهرهای باستانی ایران و دارالملک تاریخی مازندرانی است. قدمت این شهر به پیش از اسلام می‌رسد نویسنده برای صحت و درستی نوشته خود از مدارک و اسناد جامخانه نقل می‌کند: "در روستای جامخانه ساری اخیراً ۳۴ ظرف سفالی مربوط به سه هزار سال پیش کشف شد". (نقل از روزنامه اطلاعات ۶ اسفند ۱۳۷۱ ش، صفحه ۱۴ به نقل از میراث فرهنگی مازندران) همچنین مؤلف این کتاب در صفحه ۵۷ نقل می‌کند. «شواهدی که تاریخ ساری به قبل از اسلام می‌رساند. غیر از کشفیات باستان‌شناسی کنار خط آهن ساری به قائمشهر که ظروف نقره‌ای زمان ساسانیان و ظروف سفالی اخیر در جامخانه که به سه هزار سال قبل می‌رسد. از آنجا که در جنوب این روستا تپه و قلعه‌های تاریخی به عنوان مکان‌های دفاعی و امنیتی یافت می‌شود واز قلعه‌های معروف می‌توان قلعه داراب شاه در ۱۵ کیلومتری جنوب روستا واقع در جنگل و کافر قلعه که بین

روستاهای پیله کوه و جامخانه و دارابکلا قرار دارند و نیز دختر قلعه واقع در منطقه ازارک (شرق روستا) را نام برد. همه این آثار مربوط به دوران قبل از اسلام بوده در حدود ۸۰ درصد تخریب شده‌اند. (عبادی، ۱۳۹۵)



تصویر ۱: چشم اندازی از جامخانه فعلی



نقشه شماره ۲: موقعیت میانرود در مازندران

## انواع ابزار معیشتی جنگل نشینان جنوب دریای مازندران

انسان با استفاده از استخوان و برگ و سنگ شروع به ساخت ابزارهایی برای شکار کرده که تا به امروز پیشرفت‌های شگرفی داشته. از کشف آتش تا رسیدن به یادگیری ماشین راه بسیار طولانی طی شده است. ابزار هر شیء فیزیکی که بتوان برای رسیدن به یک هدف از آن استفاده کرد گفته می‌شود به‌طور خاص این وسیله در طی این فرایند مصرف نشود. (حدادی، ۱۳۹۶) بشر پیش از ساخت فولاد موفق به کشف آهن شده بود و آهن در زمین به فراوانی یافت می‌شد، ولی از آنجا که مقدار گرمای مورد نیاز آهن برای ذوب و یا شکل دادن، به مراتب بیشتر از مس برنز است، عصر آهن پیش از این آغاز نشد. پیدایش اتفاقی آهن در بوته ذوب فلزات، مدت‌ها قبل از آگاهی صنعتگران باستانی و توجه آن‌ها به اثر گرمادهی بر ذوب‌پذیری نمی‌تواند دلیل محکمی بر پیش‌تر آغاز شدن عصر آهن باشد، زیرا حتی اگر وجود سنگ معدنی آهن در کوره ذوب مس به‌طور اتفاقی محتمل باشد، دمای کوره ذوب مس، تغییری در سنگ معدن آهن ایجاد نمی‌کند. بنابراین غلبه هنر تبدیل آهن خام به فولاد بود که باعث پیدایش عصر آهن شد<sup>۱</sup> به‌طور کلی صنعت آهن را بر اساس استفاده بشر از آهن تاکنون، به سه دوره تقسیم می‌کنند:

۱. کشف و استفاده از آهن شهابی؛ ۲. پیدایش آهن به عنوان محصول جانبی تصفیه طلا؛ ۳. توسعه و تکامل احیای سنگ معدن آهن در کوره‌های Bloomery و کوره بلند. ریکارد و زیمر اثبات کردند که اولین آهن مورد استفاده انسان که به عنوان سنگ مورد استفاده بشر قرار می‌گرفته، آهن شهابی بوده است. مردمان باستان به دلیل بی‌اطلاعی از خواص فلزی آن برای تبدیل آهن به سرنیزه به جای گرما دادن آهن شهابی، آن را به عنوان یک تکه سنگ کوبیده و از آن سرنیزه می‌ساختند. در خاور نزدیک باستان مقادیر طبیعی شهاب‌سنگ‌ها در طول تاریخ به میزان زیادی ناپدید شده است.<sup>۳</sup> در یک طبقه‌بندی می‌توان روش‌های مختلف ساخت آثار فلزی را در دو گروه کلی چکش‌کاری و ریخته‌گری قرار داد.<sup>۴</sup>

1 - Cramer, C. E. (1995). What caused the Iron Age.

2 -Forbes. R. J. (1997). Studies in ancient technology -Chapter three: The early story of Iran.

۳ - نازلی شهیدی، محمود نیلی احمدآبادی و یسرا پویشمن، " بررسی متالورژیکی ابزارآلات جنگی ایران باستان -ایلام میانه" نشریه دانشکده فنی، دوره ۴۳، شماره ۲، تیرماه ۱۳۸۸.

۴ - برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: روش‌های ساخت آثار فلزی تاریخی. نویسنده: محمد مرتضوی.

حال با توجه به عنوان تحقیق و موارد مطرح شده نمونه‌هایی از ابزارآلات نظامی - جنگی و معیشتی مناطق جنوب دریای مازندران<sup>۱</sup> نمایش داده می‌شود:



تصویر شماره ۲: تصاویر نمونه‌هایی از سرتیزه های نظامی (حدادی، ۱۳۹۶)

حال با توجه به مباحث مطرح شده پیرامون انواع ابزارآلات دفاعی و امنیتی و معیشتی جنگل‌نشینان مازندرانی، یافته‌های پژوهش حاضر به شرح زیر آورده می‌شوند:

### زندگی جنگلی در جنوب روستای جامخانه

گسترده‌ی جنگل‌های هیرکانی در مناطق خزری، موجب رشد زندگی جنگل‌نشینانی بیشتر در این مناطق شده است، شرایط آب و هوایی و رطوبت زیاد سبب شد که آثار زیادی از ابزار نظامی و وسایل زندگی آن‌ها و حتی استخوان‌های بدن آن‌ها به دست نیاید. باستان‌شناسان بر این باور هستند که انسان‌های نخستین میلیون‌ها سال در شیوه زندگی جنگل‌نشینانی به سر برده‌اند تا توانسته‌اند به مرحله دیگری از شیوه زندگی یعنی غارنشینانی یا دیگر شیوه‌های زندگی دست یابند. مشاهده و بررسی‌های اولیه در منطقه ازارک جامخانه (به ویژه کال جامخانه) حاکی از آن است که نوع مسکن عموماً از جنس گل و سنگ و چوب درختان بوده و در کنار هرچشمه‌ای یک طایفه زندگی می‌کردند طبق آثار به جا مانده و نقل پیران محل در حدود هر ۲۰۰ الی ۳۰۰ متر یک طایفه زندگی می‌نمود و در زمان تهاجم و فعالیت‌های کشاورزی و دامداری به یکدیگر کمک می‌کردند. از نکات جالب توجه اینکه در چند سال اخیر زنان دره‌نگام و جین توتون و پنبه ولوبیای روغنی سکه‌های اسپهبدی و گاهی سکه‌های فلوس پیدا می‌نمودند و این مسئله گویای تداوم زندگی از باستان تا دوره صفویه در ازارک جامخانه می‌باشد.

۱ - جهت اطلاع بیشتر: مطالعه فرایند تولید مفرغ در اشیاء - محوطه‌ی عصر آهن مارلیک گیالن - امید عودباشی استادیار گروه مرمت آثار تاریخی دانشگاه هنر اصفهان مرتضی حصارای استادیار گروه باستانشناسی دانشگاه هنر اصفهان، حسین احمدی دانشیار گروه مرمت آثار تاریخی دانشگاه شماره ۹، دوره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ - مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران.

نام هیرکانی به جنگل‌هایی با تنوع زیستی منحصربه‌فرد، گونه‌های نادر و در معرض انقراض و طبیعتی باشکوه اعطا می‌شود. جنگل‌هایی باستانی که می‌توان از آن‌ها به عنوان شاهکاری از هنر دست پروردگار هستی نام برد. مناطق شمال ایران به لطف برخورداری از آب و هوای مناسب و متوسط بارندگی ۵۵۰ تا ۲۲۰۰ میلی‌متر و ارتفاع صفر تا ۵۶۷۱ متری دارای شرایط و بستر مساعد برای رشد گونه‌های گیاهی مدیترانه‌ای است. با توجه به این شرایط مطلوب شمال ایران، حاشیه جنوبی دریای خزر جایگاه این جنگل‌های متراکم‌اند. جنگل‌هایی که بین کشورهای ایران و آذربایجان مشترک‌اند. این جنگل‌ها از ارزش بسیار والایی برخوردارند و مهم‌ترین زیستگاه طبیعی برای حفاظت از گونه‌های متنوع زیست‌محیطی علی‌الخصوص گونه‌های در معرض خطر انقراض‌اند. این جنگل‌های برجسته نقشی بسیار مهم در فرآیندهای زیست‌محیطی و بیولوژیکی و توسعه اکوسیستم و گیاهان ایفا می‌کند و در حال حاضر میزبان ۲۹۶ گونه از انواع پرندگان و ۹۸ گونه از پستانداران هست. گونه‌های این جنگل‌ها در برابر سرما بسیار حساس‌اند از این‌رو تنها در آب و هوای معتدل کرانه‌های دریای خزر قادر به ادامه زندگی و حیات می‌باشند. می‌توان از جنگل‌های هیرکانی به عنوان اندوخته‌ای ارزشمند و طلای سبزرنگ شمال ایران نام برد، گنجینه‌ای شگرف با آب و هوایی مطبوع و زیبایی‌های خارق‌العاده که بازدید از هر یک از آن‌ها قطعاً سازنده یکی از زیباترین خاطرات زندگی‌تان خواهد بود.

جنگل‌ها گهواره نوع تمدن بشر قلمداد می‌شوند و این فرایند با اختراع آهن و کشف آتش تسریع‌تر گردیده، تاریخ گویشی آن است که مناطق جنوبی دریای مازندران زودتر از جنگل‌نشینان اروپایی به انواع ابزارآلات مادی تمدن دست یافته بودند (کولائیان، ۱۳۹۳: ۱۰۳) و وجود محیط سخت و توام با درختان انبوه جنگل‌نشینان را واداشته بوده تا با بکارگیری از ایده‌ها و موقعیت مکانی در پی ساخت انواع ابزارآلات امنیتی و معیشتی را تجربه کنند. ساکنان اولیه اطراف روستای جامخانه پس از سکونت در میان ارتفاعات منطقه بادله کوه، چلم کوه، دختر قلعه، زندگی جنگی و خانه باغی و سپس زندگی طایفه‌ای به ویژه در منطقه ازارک به سوی دامنه فعلی روستای جامخانه روی آوردند و به ساخت سکونت‌گاه‌های ابتدایی پرداختند بر اساس مشاهدات قبور منطقه ازارک، خانه‌های اولیه، معماری بسیار ساده‌ای با استفاده از ابزارآلات ساده کشاورزی و نظامی و شکار که می‌توانست امنیت و رفاه نسبی آن‌ها را تأمین کند. با گذشت زمان و افزایش دانش و تکنولوژی ساخت ابزار جدید کشاورزی و جنگی و همچنین مقابله با طبیعت پیرامون، سکونت در نقاط مختلف جامخانه جنبه دائمی‌تری پیدا می‌کند و مردم در مجاورت خانه‌های خود به کشاورزی و دامپروری می‌پردازند. گستردگی و پراکندگی سکونتگاه‌ها در اطراف جامخانه و همچنین تهدید در برابر حملات و آسیب‌های احتمالی موجب به وجود آمدن تأملی عمیق بین دو مقوله امنیت و معماری در برخی مناطق شده است. (عبادی، ۱۳۹۵)

امنیت و نظام تدافعی و شیوه مقابله با هجوم بیگانگان، می‌تواند تأثیر زیادی در شکل گسترش سکونتگاه و تغییرات به وجود آمده در بافت کالبدی روستای فعلی جامخانه داشته باشد. در بافت‌های اولیه سکونت‌گاه‌ها از نظر معماری، دو گونه سامانه تدافعی به کار برده شده است؛ نوع اول سکونتگاه‌هایی را شامل می‌شود که دارای دژ، حصارهای تو در تو و برج و بارو در اطراف روستا به‌ویژه در دخترقلعه و کافرقلعه جامخانه می‌باشند و دستیابی به واحدهای مسکونی و ابنیه دیگر از طریق دروازه‌ها صورت می‌پذیرد. اغلب در این سکونتگاه‌ها فضاهای عمومی و مذهبی در داخل حصار تعبیه می‌شود. نوع دوم روستاهای دارای حصار چوبی با خانه‌های نزدیک به هم هستند. از این نمونه در مسیر راه‌های ارتباطی پرتردد که احتمال تهدید از سوی رازن‌ها بیشتر است به‌وفور دیده می‌شود. در مطالعه سیر زندگی جنگلی در جامخانه زندگی روستائینی با محوریت کشاورزی بر اساس سکه‌های فلوس مشاهده شده در ازارک، روستای جامخانه فعلی مربوط به دوره صفویه هست. بنا به گفته پیران محل مهاجران مناطق مختلف اطراف محل سکونت فعلی (ازارک-ختور-اسپه گلی -اطراف بادله کوه وارم و دخترقلعه) روستای جامخانه فعلی را به وجود آوردند گرچه سابقه زیست این محل به هزاره قبل از میلاد می‌رسد و نوع بافت و توپوگرافی جغرافیایی محل نشان می‌دهد نوع زندگی ترکیبی از کوچ‌نشینی - یکجانشینی بوده است. کشف گورهای خمره‌ای منسوب به دوره اشکانی و کوزه‌های سفالی در هنگام جاده سازی و ساخت درمانگاه بهداشتی در اوایل انقلاب اسلامی حاکی از آن است که سابقه زندگی در این روستا بسی پیچیده و نیاز به بررسی‌های دقیق باستان‌شناسی دارد.



نقشه ۳: موقعیت مکانی روستای جامخانه

هسته اولیه تشکیل روستای جامخانه به ۳ هزار سال قبل بر اساس آثار مکشوفه نگهداری در موزه شهر بابل باز می‌گردد. طبق مطالعات میدانی و مصاحبه با ریش‌سفیدان، عوامل جذب جمعیت از قبیل: ارتفاع مناسب، وجود آب فراوان (چشمه‌ها و رودخانه)، جنگل و قلعه‌ها و عوامل طبیعی مهم‌ترین عامل در جذب



و تشکیل روستای جامخانه در طول تاریخ در مکان‌های متعدد کنونی بوده است. به گونه‌ای که ساکنان اولیه این روستا در ابتدا در اطراف آن سکنی گزیدند و هسته اولیه روستا را با تبدیل جنگل‌های این ناحیه به مزارع کشاورزی شکل دادند. اکنون نیز با توجه به قدمت زیاد این محدوده واحدهای مسکونی قدیمی بسیار دیده می‌شود.

### زندگی آماردها در هزاره قبل میلاد

بر اساس شواهد و کشفیات باستان‌شناسی و آثار موجود در موزه بابل و گورهای ازارک جامخانه ساکنان این منطقه مردمی جنگل‌نشین بوده زندگی در بیشه‌زارها و چمنزارها و لای درختان کهن سال و شکاف سنگ‌ها و نبرد همیشگی با جانوران درنده، آماردهای ساکن ازارک جامخانه را مردمانی تندخو، سرکش و شجاع، دلاور، زمخت، خشن، پرتلاش، مقاوم و ورزیده بار آورده بود. ابزار و آثار کشف شده در جامخانه نشان می‌دهد آنان در رشته‌هایی چون: گل‌داری، دامداری، کشاورزی و شکار و اهلی کردن حیوانات مهارت داشتند. همچنین از پوست و گوشت و استخوان‌های حیوانات و موی و پشم و روده آنان استفاده می‌نمودند و با کمک دوک و کارگاه‌ها، پوشاک و ساز و برگ‌های جنگی و خانگی به رفع نیازهای اولیه‌شان می‌پرداختند. زندگی آماردها تحت تأثیر اساس اقلیم و جبر جغرافیایی بوده فعالیت در کوه و دشت و جنگل و پیمودن مسیرهای طولانی برای شکار آنان را مردمی خشن و شجاع قلمداد نمود.

آماردها کیش خاصی نداشتند اما کشفیات باستان‌شناسی نشان می‌دهد به جهان بعداز مرگ اعتقاد داشتند به همین دلیل در گورهای باستانی به همراه دفن جسد ابزارآلات وی را در کنار وی دفن می‌نمودند.

زندگی در کوه و جنگل منجر بدان شده بود تا مردان مازنی به وضع ظاهری خود بی‌اعتنا باشند آن‌ها با بلند نمودن ریششان اعتقاد داشتند دشمنان از هببتشان می‌ترسند و فرار می‌کنند. (برزگر، تاریخ تبرستان، ۱۳۸۰: ۵۰-۴۰) گروه مردها را سه دسته از مردمان تشکیل می‌داد، بدین‌گونه: ۱- کادوسی‌ها ۲- دسته مردها ۳- دسته تبری‌ها (همان: ۳۷-۳۹). داده‌های تاریخی نشان داده که آماردها همواره رابطه دوستانه‌ای با پادشاهان هخامنشی، پارتی و ساسانی در جهت ایجاد امنیت و جنگ با دشمنان ایران داشته‌اند. (مهجوری، ۱۳۸۱: ۵۹)

### ۳. کارکردهای دخترقلعه (کافرقلعه) یا قلعه بن (قلعه داراب شاه) در جنوب جامخانه

دختر قلعه مجموعه فضای معماری در دل جنگل واقع در جنوب روستا بوده که توسط گروهی از ساکنان مازندرانی در دل جنگل و صخره‌های سنگی کوه‌های البرز ساخته شده‌اند. اگر چه تفسیرهای فراوانی در مورد ساختن این‌گونه سازه‌ها در منطقه توسط محققین ایراد شده ولی گویی هنوز نمی‌توان در مورد علت ساختاری این فضاهای معماری سخنی به قطع و یقین بیان کرد. این مجموعه بناهای تاریخی شامل: اتاق

نشیمن و پنجره‌ها و راه‌های ورودی خانه‌ها است که با مهارت و مشقت بسیار در بالای کوه به شکل قلعه مانند ساخته شده‌اند. وجود اتاق خواب، آشپزخانه، سرویس بهداشتی و مخازن و کانال هدایت آب نشان می‌دهد که افرادی این مکان را برای زندگی درازمدت ساخته‌اند. با توجه به کاوش‌های باستان‌شناسی و بقایای تکه سفال‌هایی که در این خانه‌ها پیدا شده، می‌توان قدمت آن‌ها را به قبل از اسلام و دوران اوایل اسلام نسبت داد و از آنجایی که در این دوران ایران مورد هجوم اعراب قرار گرفته است؛ به نظر می‌رسد این خانه‌ها در دل کوه با امکان زندگی در بلندمدت، همراه با محل‌هایی برای نگهداری به خاطر عدم پذیرش کیش و آیین جدید و یا به خاطر ترس از هجوم اعراب بنا شده است و به همین دلیل نام این قلعه‌ها را کافرقلعه یعنی محل زندگی غیرمسلمانان است. به دلیل صعب‌العبور بودن کافرقلعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است و در حال حاضر این قلعه و خانه‌ها در اثر گذشت زمان تخریب و همچنین در اثر حفاری‌های متعدد غیرکارشناسی اکثرش از بین رفته است. اما هنوز مناظر زیبایی از دخترقلعه و خانه‌هایش در نزد اهالی پیران محل حس گذشته‌گرایی را بارور می‌نماید. با توجه به نتایج تحقیقات به عمل آمده می‌توان دو عقیده را در مورد وجود ساختارهای معماری ساخته شده در دل کوه البرز در محور جنوبی جنگل‌های جامخانه و روستای دارابکلا را بیان کرد:

۱- در قرون اولیه اسلامی با توجه به هجوم اعراب به مازندران احتمالاً مردمانی که در اواخر دوران ساسانی در این منطقه زندگی می‌کردند به خاطر عدم پذیرش کیش و آیین جدید و یا به خاطر ترس از هجوم اعراب منطقه زندگی و اسکان خود را در دشت ترک کرده و به مناطق کوهستانی پناه بردند. این مردمان به خاطر در امان ماندن از هجوم و یورش این مهاجمان تازه‌وارد سازه‌های معماریشان را در دل صخره‌های سنگی و ارتفاعات بالای کوه‌ها در مناطق کوهستانی ایجاد کردند. با توجه به سازه معماری و تقسیمات فضایی که شامل آشپزخانه - اجاق‌ها - سرویس بهداشتی و روزنه‌های دیده بانی است می‌توان محل زندگی یا استقرار دائمی انسان در یک شرایط خاص را در این منطقه بیان کرد. شرایط ویژه سیاسی باعث شکل‌گیری معماری این سازه‌ها در داخل صخره‌ها است. چون با توجه به وجود دشت‌های میان کوهی در منطقه هیچ‌گاه انسان هوشمند هزاره‌های گذشته به آسانی نمی‌تواند محیط آرام و آسایش دشت‌ها را ترک کرده و به مناطق سخت و صعب‌العبور و کوهستانی پناه ببرد.

۲- اگر نتوانیم فرض اول قضیه در خصوص شکل‌گیری این معماری در دل ارتفاعات بلند جنگلی را ثابت کنیم باید فرض دوم را لحاظ نماییم. وجود این معماری بدون شک در شرایط خاص و به خاطر دفاع از حریم استقرارگاه ساخته شده که از جمله دلایل آن قرارگیری در صعب‌العبورترین صخره و وجود روزنه‌هایی جهت تیراندازی و دفاع از استقرارها هست. با توجه به دو فرضیه مطرح شده فوق می‌توان چنین تصور نمود که معماری قلعه‌ای در شرایط سخت و به خاطر در امان ماندن برخی از گروه‌های متخاصم در مناطق کوهستانی ایجاد شده که با توجه به نام کافرقلعه (یعنی محل زندگی اقوام غیرمسلمان) و وجود قطعات

سفالی اوایل دوره اسلامی می‌توان چنین تصور کرد که این سازه‌های معماری به صورت گسترده و در اثر مهاجرت اقوام و به خاطر در امان ماندن یورش سپاهیان عرب در اوایل اسلامی شکل گرفته است. (عبادی، ۱۳۹۵)

### لایه‌شناسی دیواره‌های مخروطه‌ای کافر قلعه در جنوب روستا جامخانه

آثار تاریخی جنوب روستای جامخانه در اثر ناشی از جاده‌سازی و تخریب و نابودی آن لایه‌های متعددی از "دیواره‌های مخروطه‌ای کافر قلعه"، قابل مشاهده هست که به شرح زیر بوده: ۱- خاک رس: خاک رس یکی از مهم‌ترین ابزار در فنون و هنر معماری بوده است. ۲- خاک پخته: این لایه همان خاک رس است و برای اینکه در بعدها از رطوبت زمین جلوگیری شود خاک رس را با کمی آهک قاطی و در آن محل پخش می‌کردند و روی آن چوب می‌ریختند و چوب‌ها را آتش می‌زدند، خاک زیر این چوب‌ها می‌سوخت و تبدیل به نوعی ملات می‌شد و از رطوبت خاک جلوگیری می‌کرد. ۳- سنگ چین ۴- سفال شکسته: معمولاً بعد از سنگ‌چین و آجرچین شروع می‌شود. ۵- زغال: این لایه بعد از آجر یا زیر کوزه‌ها قرار می‌گرفت تا رطوبت را به صورت کامل به خود جذب کند. ۶- آهک: این لایه از رسوب تشکیل شده و معمولاً آهک به صورت سفید نیست و مایل به رنگ نخودی است که در زیر زغال استفاده می‌شد و از نشست بنا تا حدی جلوگیری می‌کرد. ۷- ساروج: این لایه یکی از مهم‌ترین لایه‌ها به شمار می‌آید و معمولاً در پایان کار از آن استفاده می‌شد. (عبادی، ۱۳۹۵)



تصویر: بخشی از دیواره قلعه داراب شاه در جنوب جامخانه



تصویرش ۷: کاسه گلی هزاره قبل میلاد جامخانه در موزه بابل



نمودار شماره ۱: رابطه عوامل محیطی جبری و جغرافیایی با مولفه های دفاعی و امنیتی در زندگی جنگل نشینان باستانی

### گذاشتن ابزار نظامی و معیشتی در قبرهای گبری

بر اساس گفتار پیران محل در این مقاله، قبرهای گبری معمولاً در نقاط بلند و روبه دره قرار دارند. انواعی دارد، در فقیرترین قبر یک یا دو کاسه سفالی قرار دارد و قشر متوسط و پولدار آنان لوازم شخصی آنان هم

قرار داده می‌شد مانند زیورآلات، خنجر، سپر و در معدودی از آنان نسخه یا نوشته‌ای از اموال مربوط به شخص مرده و در برخی از آنان اسب یا قاطر یا سگ شخص هم با او به خاک می‌سپردند (این اجناس فقط به خاطر اعتقاد مردمان آن زمان به زندگی پس از مرگ بوده) بالاترین قبر گبری مربوط به موبد و سردار آنان می‌شد که در اول صف قبرها قرار می‌گرفت و در عمق نسبتاً بالایی نسبت به سایر قبرها می‌بود و داخل قبر و بیرون زیر خاک اطراف قبر هدایایی قرار می‌گرفته در قبرهای گبری بیماری‌های مسری وجود دارد که بعد چند هزار سال هم از بین نمی‌رود.

در گورستان جنگلی جامخانه منطقه واش داراغوز، ازارک<sup>۱</sup> و ذکریا خانه‌سر، سنگی صاف در آن محل که از جنس سنگ رودخانه‌ای بود دیده شد. این سنگ بزرگ و پهن بود و به آن سنگ مرده شور هم می‌گفتند در آن زمان جسد مرده‌ها را بر روی همان سنگ شستشو می‌دادند. در اکثر قبرستان‌ها افراد شاخص پس از مرگ در همان قبرستان در قسمتی بالاتر از قبرهای دیگر دفن می‌شد و قبر او را به صورت تلی کوچک می‌ساختند ولی طوری درست می‌کردند که زیاد مشخص نباشد و برای او از نماد کاسه روی سنگ مرده شور حکاکی می‌کردند و بخشی از اموال آن شخص را در کنار جسد او به همراه دو کوزه آب و غذا دفن می‌کردند البته اگر شخص به همراه خانواده فوت می‌شد به صورت دسته جمعی در کنار هم دفن می‌شدند و به نماد سنگ کاسه می‌افزودند و به ازای هر یک نفر یک سنگ کاسه وجود داشت و فاصله سنگ مردشور تا قبر آن شخص از ۷ متر تجاوز نمی‌کرد اموال او را هم در متراژ ۲ متری، ۶۰ سانتی متر زیر جسد یا ۶۰ سانتیمتری زیر پا در زیر سنگی مدفون می‌کردند. چون در آن زمان دزدان و غارتگران زیاد بودن و قبرها را می‌شکافتند و به آن دست برد می‌زدند برای گمراه کردن آن‌ها بخشی از اشیاء را در کنار خود جسد می‌گذاشتند تا شخصی که قبر را می‌شکافت فکر کند که کل بار همین است و به همان بسنده کند. سنگ کاسه در گنج یابی - بعضی از سنگ کاسه‌ها هستند که در کنارشان کاسه‌های بسیار ریزی به صورت نقطه حکاکی شده است که منظور از این نقطه‌ها در کنار کاسه فاصله قبر تا کاسه را نشان می‌دهد و چیزی شبیه به کروکی منطقه‌ای است که قبر در آن قرار دارد. گودی هر نقطه نشان دهنده عمق بار است، هر یک سانتیمتر یک گز یا یک متر به سمت پایین است.<sup>۲</sup>

### کارگاه‌های سفال سازی و ذوب فلزات در جامخانه هزاره قبل میلاد

خاک رس که ماده اولیه کوزه گری است تقریباً در هر کشوری یافت می‌شود و وقتی که بشر اولیه زندگی شکاری خود را تبدیل به دامداری و کشاورزی کرد کوزه‌های سفالینه به وجود آمد. تاریخ سفالینه‌سازی ایرانی به هزاره چهارم پیش از میلاد مسیح می‌رسد در آن زمان بیشتر مردم دوره نوسنگی یک نوع زندگی

1 - Azzarek

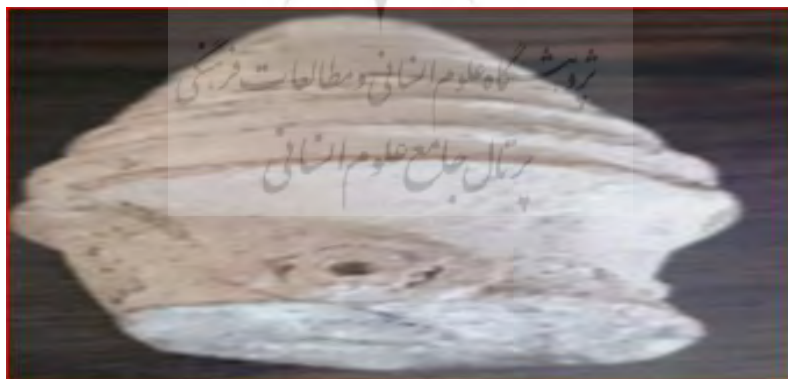
۲- نقل از پیرمردان روستای جامخانه مانند: مرحومان حاجی شعبان عبادی، حاجی عباس غلامی وحاجی رحیم باقری

کشاورزی و روستایی اختیاری کرده و در ساختن انواع گوناگون سفالینه ها برای کارهای روزانه و امور مذهبی توفیق یافته بودند تعداد کمی از کشورها هستند که در این مرحله به اوج شهرت رسیده و توانسته باشند مدتی طولانی در آن باقی بمانند. معروفترین این کشورها چین و ایران است.

پیش از رواج شیشه سفالینه‌ها رایج‌ترین مظروفات بشر بودند. مرغوب‌ترین خاک در صنعت سفالگری خاک رس می‌باشد که به دلیل وجود مقادیر بالای آهن در آن، به رنگ سرخ است. سفالگری از نخستین صنایع بشر می‌باشد. خاستگاه آن را گرچه به درستی آشکار نیست ولی از روی یافته‌های کهن سرزمین باستانی سومر می‌دانند و البته به تازگی کشف تمدن جیرفت تردیدهایی در مورد این نظریه ایجاد کرده است.

کوزه‌گرانی که ظرف‌های دوره کلاسیک یونان را می‌ساختند خود را محدود به سبک‌ها و شیوه‌های تزئینی انگشت شماری کرده بودند. آن‌ها هیچ گاه لعاب حقیقی به کار نبردند و با وجودی که محصولاتشان عالی بود مدت کمی در تاریخ باقی ماند. اما کوزه‌گران چین و ایرانی پیشه خود را از سفالینه‌سازی آغاز کرده و از دورانهای پیش از تاریخ تا امروز آن را ادامه داده و انواع مختلف سبک‌ها و شیوه‌ها را بکار می‌بردند تا فرآورده‌هایشان از بهترین نوع خود باشد. به غیر از تماس‌های بی‌شمار و نفوذ متقابل و مشترک میان دو کشور، کوزه‌گران هر دو کشور راه‌های گوناگونی را در پدید آوردن سبک‌ها و شیوه‌های نو برگزیدند.

خوشوقتی ما در این است که از زمان‌های بسیار دور، با اینکه سفال‌ها و کوزه‌ها شکننده است، وقتی آن را به زیر خاک می‌کردند به همان‌گونه دست‌نخورده باقی می‌ماند تا اینکه هیئت باستان‌شناسان مختلف آن‌ها را از دل خاک در آورند و روی آن مطالعه کنند، و امروز بیشتر اطلاعات ما درباره تاریخ سفالینه‌سازی از همین تکه‌هایی از زیر خاک بدست آمده است. (عبادی، ۱۳۹۵)



تصویرش ۸: قطعه ابزار شکاری از جنس سنگ مربوط به انسان‌های نخستین در محوطه تاریخی دین/دیوتپه جامخانه



تصویرش ۹-۱۰: کارگاه تولید کوره و آهن در منطقه رنگ گو جامخانه قدمت قبل اسلام



تصویرش ۱۱: چاه آب نوشیدنی منطقه رنگ گو جامخانه قدمت قبل اسلام

### چگونگی حصار در منزل جنگل نشینان باستانی جامخانه جهت ایجاد امنیت

در گذشته‌های دور پس از حصار اطراف زمین‌های کشاورزی و یا خانه‌ها، با سرهم چیدن چوب و شاخه‌های درخت، قسمتی را برای ورود و خروج در نظر می‌گرفتند که به آن قَلت<sup>۱</sup> می‌گفتند. از این واژه در حال حاضر هم برای راه عبور و مرور انسان و گاهی برای بیان رفت‌وآمد حیوانات وحشی منازل جنگل‌نشینان استفاده می‌شد. یعنی این عبارت برای راه ایجاد شده در اثر رفت‌وآمد مداوم در یک مسیر خاص ایجاد شده اطلاق می‌شود. پس از آن (حتی در حال حاضر) اهالی اطراف زمین‌ها را با پرچین که یک سازه‌ی چوبی

منظم و بادوام تر است، حصار می‌کردند. در منازل جنگل‌نشینان قبل از این که دور زمین‌ها پرچین شود، به لحاظ جنگلی بودن حاشیه‌ی زمین‌ها، اطراف آن‌ها را با استفاده از چوب درختان "پر" یا "پرچین" همان شبیه دیوار چوبی می‌زدند (که یک اصطلاح مازندرانی است). یعنی در فاصله‌های معینی تیرهای چوبی بنام پاها<sup>۱</sup> یا پکا<sup>۲</sup> به موازات هم و با فاصله می‌کاشتند، سپس شاخه‌ها و خارها را در میان آن‌ها قرار می‌دادند تا شبیه دیواره‌ی از شاخه و خار شود. معمولاً به این شاخه‌های تیغ‌دار (خاردار) تلی پر<sup>۳</sup> می‌گفتند و با این روش بیشتر حاشیه بیشه‌زار و مراتع تعیین حدود می‌شدند تا زمین‌های زراعی چراکه که امنیت در امان ماندن از عبور حیوانات وحشی مثل کراز و خي‌ها در حصار با پر بسیار پایین است. اما پرهایی با شاخه درختان با چوب و سرشاخه دیواره محکم‌تری ایجاد می‌شود. این سازه کارایی بهتری داشت و بهتر جلوی ورود حیوانات وحشی به مزارع را می‌گرفت. با پر زدن به‌نوعی محدوده‌ی زمین‌های اشخاص هم معین می‌شد. در این زمین‌ها در ابتدا از قلت و سپس کَلک برای ورودی زمین استفاده می‌شد. برای قلت هم یک بوته بزرگ گله (درختچه خاردار) از جنس درخت ولیک یا کندس یا ترش هلی (درختان بومی) استفاده می‌شد و موقع رفت‌وآمد برداشته و دوباره می‌گذاشتند که بعدها به چوکلک تغییر یافت.



تصویر ۱۲: لوش چوبی یا چو کلک

رفته‌رفته سازه‌ای چوبی به نام کَلک (چو کَلک) جای قلت را گرفت. در جایی که کَلک ساخته می‌شد، پرچین مقاوم‌تر بود و از روی هم گذاشتن چوب‌های کلفت‌تر، بین شیار ایجاد شده توسط ستون‌های کاشته شده با موازات هم در دو انتهای آن (که به آن‌ها پاها = پایه‌ها می‌گویند) ساخته می‌شد. برای عبور و مرور از یک‌طرف این دیواره به سمت دیگر آن چوبی قطور که در تنه‌ی آن برش‌هایی به صورت پله ایجاد شده را به صورت مایل در کنار آن محکم می‌کردند. چوبی که در سمت داخلی زمین قرار می‌گیرد در خلاف جهت چوب بیرونی است، تا رفت‌وآمد راحت‌تر صورت گیرد. این ساختار در ورودی منازل از دو پایه‌ی قوی و

1 - paha  
2 - peka  
3 - tali par



ظهور که در داخل شیارهای آن چند الوار استوانه‌ای قرار داشت را شامل می‌شد. اما کلک سر باغ‌ها و زمین‌ها اندکی نامرتب‌تر و ضعیف‌تر بود. این ساختار دروازه‌ی ورودی خانه‌های جنگل‌نشینان هم بود. البته کلک موقتی که در روز چند تایی بالایی را برمی‌داشتند و گاهی کلک دائمی در حیاط منازل وجود داشت. اصطلاح کلک تک هنوز یادآور کودکی ماست که مادر سفارش اکید می‌کرد که از کلک تک دورتر نشویم و این بدان معنا بود که کلک تک آغاز معبر مشترک با کوچه پر رفت و آمد با حیاط منزل بود. سازه‌ی دیگر لُش (لوش) (losh) بود. لوش درواقع نوعی دروازه‌ی چوبی است که از قطعات چوب تراش داده شده با تبر که به صورت تخته در آمده و یا تخته‌های اره بری شده است که به صورت مربعی روی هم قرار گرفته و میخ می‌شوند. لوش به صورت لولایی باز و بسته می‌شود و عبور و مرور را تسهیل می‌کند. در دو طرف لوش ستون‌های قوی در زمین کاشته می‌شود تا آن را نگهدارد. لوش در زمین‌هایی که دورشان پرچین بود کاربرد پیدا کرد. لُش در حیاط هر منزل و خانه‌سرایبی تا همین چند سال پیش هم وجود داشت. هنوز هم در زمین‌هایی با حصار پرچینی، توری فلزی لوش کاربرد خودش را حفظ کرده است. ورودی خانه‌ها، با تغییر نوع معماری و استفاده از چوب و الوار و آجر و سنگ از لوش‌های ساده به لوش‌های بزرگ چوبی با سر دری تغییر یافتند که به آن‌ها دروازه‌های چوبی می‌گفتند و بدین طریق اصطلاح دروازه نیز به ادبیات زبانی محل افزوده شد.

### گورهای نظامیان منسوب به دوره اشکانی جامخانه

در ازارک جامخانه بخش واش‌دار آغوض (بین زمین‌های زراعی شرق جامخانه فعلی و غرب روستای قلعه سرکنونی) گورستانی وجود دارد که در اثر جاده سازی و تسطیح اراضی و براساس شواهد محلی (چوپانان و ساکنان فعلی) و بررسی اولیه قبور بیانگر مربوط به دوره اشکانی (۲۵۰ ق.م الی ۲۲۶ میلادی) می‌باشد. به نقل از گذشتگان روستای جامخانه در انجام کشت و زرع و تسطیح زمین در این گورها ابزاری چون: انواع خنجرها، تبر، مهره‌جات برروی گردن و دست و شمشیر مفرغی در کنار اجساد مردان و گردن بندهایی از جنس مفرغ در گردن زنان مشاهده شد. بی شک مرگ از کهن‌ترین ایام تاکنون همیشه جز لاینفک دین باوری‌ها و اندیشه‌های دینی مردم این سرزمین بوده است و مراسم دفن مردگان از قوانین دینی پیروی می‌کرده است.

بر اساس مندرجات کتاب وندیداد سوزاندن مردگان از منظر مغان گناهی نابخشودنی بوده است. پس سوزاندن مردگان در ایران چندان مورد توجه نبوده است. استودان کردن و رها کردن مردگان در هوای آزاد برای پاک شدن گوشت آنان توسط جانوران وحشی و قرار دادن استخوان مردگان در دخمه‌ها نیز از جمله

۱- لُش: دروازه‌ای بود چوبی و شطرنجی شکل که از زنده‌های چوبی ساخته می‌شد و قابلیت چرخش ۹۰ تا ۱۸۰ درجه را داشت که اکنون می‌توان آن را در برخی مراتع جنگلی روستا مشاهده نمود.

تدفین‌ها در ایران کهن بوده است. (وندیداد، ص ۱۲۸) در ایران کهن پاسداشت عناصر چهارگانه و آسمان و زمین و ستارگان و ماه و خورشید و دار و درخت از واجبات است. در مورد نهی از آلوده کردن زمین، به ویژه با دفن مردگان، در اوستا و فقه مزدیسنان وارد است.



تصویرش ۱۳: سکه‌های اشکانی جامخانه (نقل از سایت به وقت ساری ۲۰۱۷/۱۱/۱۷)

### کارکرد امنیتی و معیشتی گاو در زندگی جنگل‌نشینان باستانی جامخانه

آریایی‌های باستان (هندی‌ها و ایرانی‌ها) اعتقاد داشتند خدایان گیتی را در هفت مرحله آفریدند که اول آسمان بود و بعد زمین. خدایان در مرکز زمین سه آفریده گذاشتند: یک گیاه، یک گاو و یک انسان. آن‌ها با قربانی کردن اولین انسان انسان‌ها را به وجود آوردند و از خمیر گیاه تمام گل‌ها و گیاهان را و با قربانی گاو و با استفاده از کالبد او تمام حیوانات روی گیتی را. (کرن آرمسترانگ، ۱۳۸۶: ۱۴) گاو در فرهنگ و زبان مازندرانی ریشه عمیقی دارد، تا بدانجا که بیش از ۷۰ اسم از مشتقات نام‌های گاو در زبان مازندرانی شناخته گردیده و شاید از این تعداد نیز بیشتر باشد. همچنین در زبان مازندرانی وضعیت‌های گوناگون گاو هر یک برای خود واژه و اصطلاحی دارند که به جای توضیح و توصیف وضعیت گاو بکار می‌روند. برای نمونه، گوساله دو روزه، یک هفته، یک‌ماهه، گوساله‌ای که شیر می‌خورد، گوساله‌ای که شیر مادرش نمی‌آید، گاو بالغ، گاو آبستن، در مراحل آخر آبستنی، در واپسین روزهای آبستنی، گوساله‌ای که به سختی به دنیا آمده، گوساله بی‌جان نزدیک به مرگ، گاو پیر و بسیاری از موارد دیگر همگی در زبان مازندرانی نام ویژه خود را دارا هستند. پادشاهان مازندران در طول تاریخ در شهرهای مختلف مازندران گاو‌داری‌های مختلفی داشتند و بسیاری از مردم (رعیت) را به کار در آنجا مشغول می‌ساختند و بدین گونه خود را ولی نعمت مردم می‌ساختند تا مردم در هنگام جنگ‌ها به پشتیبانی پادشاه بشتابند. همچنین اگر دشمنی

می‌خواست تا بر آن‌ها پیروز گردد می‌بایست در ابتدا برنامه گرفتن گاوداری‌ها را می‌پروراند و طرح می‌ریخت. تا جایی که گاو نماد شادابی و امنیت و شد اقتصادی جنگل‌نشینان مازندرانی بوده است.

### گاو و شخم‌زنی مهم‌ترین فعالیت معیشتی و امنیتی جنگل‌نشینان باستانی

خیش، یا گاوآهن، ابزار سنتی برای شخم زمین‌های زراعی. خیش که صورت گویشی آن خیج است، در فرهنگ‌ها به صورت‌های خویش، و هیش نیز آمده است. از ترکیبات آن خویشکار / خیشکار (برزگر)، خیشاوه (زمین شیار کرده) و خویشکاری / خیشکاری (کشاورزی) است خیشکار به معنی برزگر، دهقان و کشتگر، در بعضی نسخه‌های شاهنامه به صورت خویشکار نیز آمده است (شامیاتی ۱۳۷۵: ۲۲۲)

گیرشمن سابقه استفاده از خیش را به پیش از هزاره ۴ ق م می‌رساند و آن را عاملی در راستای ترقی سریع دهکده، توسعه کشاورزی، پذیرفتن طرز کارکرد اجتماعی، یاری گرفتن از همسایگان برای هموار کردن زمین و آبیاری می‌داند (گیرشمن، ۱۳۷۴: ۱۶-۱۹). لنتن اختراع خیش را به طور تقریب در «دنیای قدیم»، در فاصله زمانی ۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰ ق م (تمدن نوسنگی)، در منطقه آسیای جنوب غربی می‌داند و اضافه می‌کند این منطقه باید به حق «خاور کهن‌سال» نامیده شود که کشاورزان آن هنوز هم به همان نحوه اجداد نوسنگی خود زندگی می‌کنند. در ابتدای دوره نوسنگی، مزارع را با بیلچه‌های سنگی و چوبک‌های حفاری شخم می‌زدند؛ پس از آن، خیش چوبی که مردان یا گاو آن را می‌کشیدند، به کار گرفته شد. مؤلفی دیگر معتقد است تمدن جهان اهلی کردن اسب و نیز اختراع لگام، مهمیز، گاوآهن، یوغ و ارابه را مدیون آسیای جنوب غربی است که بزرگ‌ترین نقش را در تاریخ تحول وسایط کشت و نقلیه زمینی ایفا کرد. در این میان، نقشی ویژه برای ایران قائل‌اند؛ زیرا مهد نژادهایی از سواران بی‌مانند همچون آشوریان و پارسیان بوده است. (کریمی، ۱۳۹۶: ۱۳ آبان)

یکی از امتیازهای اهلی کردن حیوانات استفاده از نیروی آن‌ها برای کشیدن خیش بود (وایت ۱۳۷۹: ۷۷-۷۸). فقط اختراع گاوآهن و وجود نیروی جانوران اهلی، مانند گاو (ه م) و بعدها اسب (ه م) به انسان امکان داد تا مزارع گسترده‌ای را شخم بزند و پایه‌های واقعی کشاورزی پرسود را بنا کند. یکی از نظریه‌پردازان معتقد است همه فرهنگ‌های عالی از کشاورزی برخوردارند و نظام شبانی در هیچ موردی، فرهنگی به بار نیاورده است که به اندازه فرهنگ عالی و پیشرفته منبعث از کشت و پرورش گیاهان باشد. معیشت متکی بر خوراکهای خودرو، پست‌ترین روش‌های نظارت بر نیروهای طبیعت، و کشاورزی بهترین آن‌ها ست (وایت ۱۳۷۹: ۸۱).

مشاهدات نواحی جنوبی زمین‌های کشاورزی جنوب جامخانه نشان می‌دهد استفاده از دو گاونر (ورزا) و ادواتی چون گاو هشته و زال برای شخم زنی مناسب بود. دو گاو از ناحیه گردن با یک چوب به نام «جت» (یوغ) به هم متصل می‌شدند. برای آنکه چوب روی گردن گاو مستقر گردد، علاوه بر انحنايي که

در محل پشت گردن گاو داشت، توسط دو چوب باریک که در دو طرف گردن قرار می‌گرفت، تثبیت می‌شد. این چوب‌ها «سومه‌چوق - ازال یا آزل» نام داشت. هر جفت ازال که دو طرف گردن یک گاو قرار می‌گرفت توسط نخ‌ای از چرم یا مشابه آن در زیر گردن گاو به هم متصل می‌شدند.

گوهن (گاوآهن) از ادوات اصلی شخم‌زنی با گاو بود. گوهن تیغه‌ای فلزی بود که در محل مخصوص در انتهای «جم» (خیش) نصب می‌گردید. جم چوب بلندی بود که از سر به جت و از انتها به گوهن متصل بوده و در انتها مجهز به دسته‌ای بود که در دست مرد شخم‌زن قرار می‌گرفت. هم بخشهای مختلف جم و هم جت کاملاً صلب و غیر قابل حرکت بود. اما با توجه به ناهمواریهای زمین و به منظور امکان دور زدن گاو‌ها لازم بود محل اتصال جم و جت به صورت مفصلی و قابل حرکت به چپ و راست یا بالا و پایین باشد. برای فراهم کردن این امکان این اتصال با وسیله‌ای به نام «هلشت» فراهم می‌شد. هلشت طنابی حلقوی بافته شده از چرم گاو بود که جم را به جت متصل می‌کرد. هنگام گیر کردن گوهن ضمن کار به سنگ یا ریشه درختان، فشار زیادی به هلشت وارد می‌شد و لازم بود این وسیله حتماً از جنس محکمی مانند چرم باشد. در سر یا ابتدای جم (یا چوب ماله‌کشی) سوراخی قرار داشت. هلشت به دور جت حلقه شده و با عبور از سوراخ جم توسط تکه چوبی به نام «هولیکه» یا تکه استخوانی به نام «ایشگیلک» محکم و چفت می‌گردید.

گاو‌ها ضمن حرکت به جلو، گوهن متصل شده به جم و جت را همراه خود جلو کشیده و مردی که دسته جم را در دست داشت با فشار و هدایت گوهن عمل شخم‌زنی را ترتیب می‌داد. پس از شخم‌زنی برای هموار کردن زمین و خرد کردن تکه‌های بزرگ کنده شده از زمین (کت‌ها) عملیات ماله‌کشی انجام می‌شد. ماله‌کشی توسط تخته‌ماله یا چپر که جایگزین گوهن می‌شد انجام می‌پذیرفت. در این حالت تخته ماله در انتهای چوبی مشابه جم قرار می‌گرفت که به «چوب ماله کشی» معروف بود. گاو‌ها ضمن حرکت تخته ماله‌کشی را رو به جلو کشیده و این تخته در اثر عبور از روی کت‌ها آن‌ها را خرد و نرم می‌نمود. پس از شخم زنی و ماله‌کشی زمین برای بذر یا تخم پاشی آماده بود. (لبافی، ۱۷ تیر ۱۳۸۹)

حکاکی‌ها و نقش و نگارهای موجود، نشانه اهمیت ابداع این وسیله و این شیوه شخم است که به بالا رفتن سطح تولید و رشد نیروهای تولیدی کمک کرده، و به شکل‌های تازه‌ای در سازمان کار منتهی شده است " اودریکور " خیش دوبازوی موجود در لرستان را ابتدایی‌ترین نوع خیش دودسته و میراث خیش سومری می‌داند که تیغه آن زائده‌ای به شکل پوکه دارد و کشش آن با یوغ جفتی است (پورکریم، ۱۳۵۴، ش ۲: ۲۸، ۳۰).

## گاومیری مهم‌ترین مؤلفه ناامنی، بحران و تهدید معیشتی جنگل‌نشینان باستانی جامخانه

شیوع آفت دامی و نابودی گاوها تأثیر مستقیمی بر روی زندگی و معیشت داشته است (پورقنبر، ۱۳۹۳: ۱۳۳). آفت کشاورزی به گیاهان یا جانورانی گفته می‌شود که با ازدیاد آن‌ها در مزرعه و استفاده مستقیم یا غیر مستقیم از محصول باعث کاهش کمی یا کیفی محصول شده و رابطه مستقیمی با مقوله امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در طول تاریخ حیات اجتماعی-سیاسی جامعه روستایی ایران به ویژه در زندگی جنگل‌نشینان داشته است. نمونه بیماری‌ها و آفت‌های برخی مهره‌داران و حیوانات اهلی مانند: گاومیری، ناشی از طاعون گاوی و سیاه زخم، موش‌های صحرایی، گراز و خرگوش، پرندگان مانند سار و گنجشک، بعضی حشرات مانند ملخ و کرم ساقه‌خوار برنج است. در این بین گاومیری یکی از وحشتناک‌ترین پدیده شوم و تهدید کننده حیات اقتصادی و معیشتی جنگل‌نشینان باستانی بشمار می‌آید. ناگفته پیداست که نقش گاو در تأمین امنیت به لحاظ یک منبع مهم اقتصادی و معیشتی، گوشت، شیر و پوست و شخم‌زنی فواید تأثیرگذار و پایداری را بر زندگی آنان داشته است. سابقه چنین بیماری به لحاظ منابع مکتوب خبری در بهمن ماه ۱۳۰۴ ش، مبنی بر نابودی بیش از ۴ هزار گاو در منطقه بارفروش یا بابل و سایر نقاط مازندران منتشر شد (شفق سرخ، ۱۳۰۴: ش ۲/۴۴).



نمودار ش ۲: انواع بیماری‌های رایج و تهدید کننده حیات امنیتی-اجتماعی و اقتصادی جنگل‌نشینان



نمودار ش ۳: پیامدهای گاومیری مهمترین مولفه ناامنی در حیات جنگل‌نشینان

### کاربرد و نماد سنگ در زندگی جنگل‌نشینان جامخانه و حومه اطراف آن

سنگ به مواد جامدی از پوسته زمین اطلاق می‌شود که از یک یا چند کانی که با یکدیگر پیوند یافته‌اند، تشکیل شده است. در زمین‌شناسی سنگ تجمعی طبیعی و جامد از مواد معدنی یا شبه معدنی است. لایه خارجی جامد زمین (لیتوسفر) از سنگ تشکیل شده است. صخره‌ها سه گونه هستند: آذرین، رسوبی و دگرگون شده. دانش شناختن سنگ‌ها را سنگ‌شناسی<sup>۱</sup> می‌گویند. عنصر اصلی تشکیل‌دهنده تمامی سنگ‌ها سیلیس است. (معماریان، ۱۳۸۸).

شاید نخستین استفاده بشر از مواد معدنی به استفاده از سنگ‌های لبه تیزی برگردد که برای شکار حیوانات و بریدن ساقه‌های گیاهان و چوب استفاده می‌شد و به مرور زمان دریافت برخی سنگ‌ها خاصیت تیزشوندگی بیشتری نسبت به سایر سنگ‌ها دارند. شاید هم برق سنگ‌هایی مانند طلا و نقره به کمک حس زیبایی‌شناختی او آمده و دریافتی که از این سنگ‌ها می‌تواند پایه نخستین خرید و فروش را بگذارد. کمی جست‌وجو در تاریخ نشان می‌دهد قدیمی‌ترین کتاب‌هایی که به استفاده از سنگ‌های معدنی

مانند آهن، قلع و مس اشاره دارد، کتب مذهبی بشر است و کمی بعدتر کتاب‌های تاریخ‌نگاران‌های مانند شاهنامه که با اساطیر و افسانه‌ها درآمیخته‌اند.

استفاده از سنگ‌ها در زندگی بشر چنان تحولی به وجود آورد که استفاده از هر کدام آن‌ها، دوره‌ای از پیشرفت در زندگی انسان را روی این کره خاکی رقم زد. چنانکه دوره زندگی بشر را می‌توان به ۳ بخش تقسیم کرد. اول عصر حجر آغاز زندگی بشر است که هیچ فلزی را نمی‌شناخت و از آلات دفاع از سنگ می‌ساخت، دوم عصر مفرغ و سوم عصر حدید که آهن را به کار برد.

از روزگاران قدیم و در دوران ایران باستان، پیشینیان و اجداد ما بیشترین استفاده را از مواد معدنی داشته‌اند و آثار باقیمانده از آن‌ها گواه این امر است. وجود ذخایر معدنی فراوان از کانی‌های فلزی و غیرفلزی فرصت مناسبی برای استفاده مردم ایران باستان که مردمی هوشمند بودند، فراهم کرد و سبب شد تا ایران کانون معدنکاری و ذوب فلزات شود به‌گونه‌ای که می‌توان گفت فلات ایران نخستین جایی بوده که در آن انواع سنگ و فلز شناخته و به کار گرفته شده است. بالا بودن میزان ذخایر معدنی موجود در کشور از کانی‌های فلزی باارزش را می‌توان دلیل رشد معدنکاری و کاربرد سنگ‌ها در امور روزمره زندگی دانست. از سویی شرایط جغرافیایی، زمین‌شناسی حاکم بر سرزمین ایران و وجود انواع مختلف از مواد معدنی و داشتن شرایط ایده‌آل زمینه را برای ایجاد تمدن فراهم کرد. همچنین از آنجایی که بیشتر تمدن‌ها در کنار رودخانه و دریاها تشکیل شده‌اند،

این قاعده در ایران نیز وجود داشته و شاهد به وجود آمدن تمدن‌های سومری، آشوری، عیلامی و آریایی در کنار رودهای هیرمند، زاینده‌رود، کارون و دیگر رودخانه‌های ایران بوده‌ایم. اما این پایان تشکیل تمدن‌ها و ایجاد شرایط مناسب برای زندگی ایرانیان باستان نبود و شکل‌گیری شهرها و تمدن‌هایی در میان فلات ایران، رشته‌کوه‌های زاگرس و دیگر نقاط ایران را می‌توان به علت وجود ذخایر معدنی در نقاط عنوان شده دانست.

در مجموع می‌توان گفت که تمدن‌های شکل‌گرفته در ایران باستان که سهم وسیعی از قاره آسیا را به خود اختصاص می‌داد، تأثیر بسزایی در رشد تمدن جهانی داشته است.

جدول شماره ۱: مصادیق نمادهای سنگی درباورهای عامیانه از نظر پیرمردان و کارشناسان فرهنگ عامه

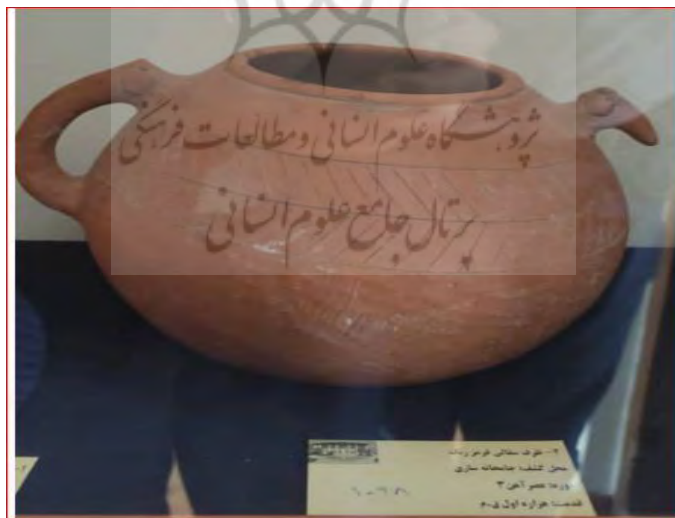
ردیف	نماد	مصادیق نمادهای سنگی درباورهای عامیانه	ردیف	نماد	مصادیق نمادهای سنگی درباورهای عامیانه
۱	گوزن	نماد مسیر سخت صخره‌ای	۲۶	چوپان	چوپان با عصا و خورجین نماد امانت
۲	چکمه	دلیل راه و مسیر	۲۷	عقاب	نماد وجود چاه در همان منطقه
۳	جوغن‌ها	نماد قبر	۲۸	چشم	نماد نظارت

ردیف	نماد	مصادیق نمادهای سنگی درباورهای عامیانه	ردیف	نماد	مصادیق نمادهای سنگی درباورهای عامیانه
۴	سمبل دل	نماد طلا	۲۹	سنگ توپی	نماد مقاومت و وجود قلعه یا دژ
۵	اژدها	نشانه مکان‌های تاریخی ارزشمند	۳۰	سنگ گهواره	تمدن و حیات بشری
۶	تنور	زندگی و تحرک	۳۱	ماهی	نماد برکت و فراوانی
۷	درختان کهنسال	نماد تمدن و آبادانی	۳۲	پیه سوز	محبت و پایداری خانواده
۸	خورشید	نماد کتابی ارزشمند	۳۳	لاک پشت	نشان عزم را معنی و خرد
۹	چشمه‌ها	نماد مخفی کردن دفینه‌ها	۳۴	شاهین یاباز	نشان راهزنان
۱۰	شمشیر	نشانه مقبره	۳۵	صلیب	قبرستان مسیحیان
۱۱	جغد	نشانه‌ای برای مقبره	۳۶	دست	علامت دعا نمودن و نیایش
۱۲	گوردخمه	نوعی معماری صخره‌ای	۳۷	مار	محیط خطر خیز
۱۳	تپه‌های تومولوسی	مزار شاهان و بزرگان	۳۸	آتشکده	نماد پرستش خداوند یکتا
۱۴	قبور خمره‌ای	فلسفه‌ی مرگ و زندگی	۳۹	غار	اولین مکان زندگی
۱۵	خرگوش	نماد راهنما، قدرت و انرژی است.	۴۰	بز	نشان آفرینش و چشمه آب
۱۶	گل	اشاره به دنیای مردگان قبرستان دارد	۴۱	آب	نشان زاینده‌گی و زندگی
۱۷	پای انسان	مقبره سلطنتی	۴۲	گل رس	خاک رس پخته نماد مقاومت بوده
۱۸	رخ	نماد معابد میترایی	۴۳	تیر و کمان	نمادی از دلیری و شجاعت
۱۹	کبوتر و اردک	فعالیت بانوان در خودآرایی و زینتشان	۴۴	سنگ صندلی	پنهان کاری انسان‌ها
۲۰	شیار	منبع آب و مقبره	۴۵	مثلث	نماد یک ارتفاع بلند و مقابر است.
۲۱	فیل	نماد قدرت	۴۶	قورباغه	جهش به سمت جلو و بارش و برکت
۲۲	پای سگ	منطقه تاریخی	۴۷	قیچی وانبر	وصل شدن دو مسیر یا راه
۲۳	قبرهای گبری	نماد طبقات و ساختار اجتماعی	۴۸	زن	خیر و برکت و بقای نسل
۲۴	روباہ	نماد یک حیوان پرفریب و مکار	۴۹	آجر خام	نشان سکونت و آبادی
۲۵	انگور	نماد ثروت و مقابر و شراب	۵۰	داس	مشاغل صاحب قبر





تصویرش ۱۴: انواع نمادهای سنگی در جنگ‌های جنوب جامخانه و سایر نقاط جنگلی مازندران



تصویرش ۱۵: کوزه هزاره ق.م جامخانه-عصر آهن موزه کلبادی ساری



تصویر ش ۱۷: بشقاب و سماور عصر قجری از آرشیو شخصی مرحوم کربلایی داود بازاری جامخانه

## نتیجه

یافته‌های تحقیق نشان داده، وجود گورهای قدیمی و ابزارهایی نظامی و معیشتی در جنگل‌های جامخانه از قبیل: انواع شمشیر و مهرجات و گردن‌بند در کنار اجساد، بیانگر این نکته است که مردمان باستانی

جامخانه به لحاظ طبقات اجتماعی در گروه‌هایی چون: طبقه اشراف و متوسط و قشر فقیر دسته‌بندی می‌شدند در گورهای اشرافی وسایلی گران قیمت و در کنار اجساد قشر متوسط شمشیر و انواع کوزه‌ها و در گورهای مردم فقیر مهره‌جات از جنس استخوان و گل گزارش شده است. بر اساس مشاهده مکان‌های دفاعی و ابزارهای هزاره قبل از میلاد موجود روستای جامخانه در موزه شهر بابل می‌توان گفت این ابزارآلات را در چهار دسته تقسیم نمود:

۱- ابزارآلات نظامی: از قبیل: خنجر، تیر، شمشیر، نیزه‌های سنگی

۲- ابزار مذهبی: مانند: انواع مهره جات از جنس مفرغ، استخوان، گل رس، شیشه

۳- قلعه‌های دفاعی و امنیتی در جنوب روستا

نکته دارای اهمیت اینکه از جمله آثار موجود جامخانه در موزه بابل، مهره‌های متعددی می‌باشند که نشانگر شیوه زندگی و اعتقادات و نوع معیشت و طبقات اجتماعی در جامخانه دوره باستان می‌باشد. جنس مهره‌ها اغلب از استخوان حیوانات و سنگها و مفرغ بوده‌اند.

۴- وسایل معیشتی چون: انواع سکه‌های مسی، فلوس، نقره، گاو هشته (گو هشته) وسیله‌ای برای شخم‌زدن به زمین توسط گاوهای نر که در نمودار شماره ۲ انواع ابزار معیشتی نشان داده شده است.



نمودار شماره ۳: ابزارهای معیشتی در جامخانه باستان

## منابع

- اسناد شرکت تعاونی مهرگان جامخانه (ساری)
- اسناد دهیاری و شورای اسلامی جامخانه
- اسلامی، حسین، (۱۳۷۲)، تاریخ دوهزارساله ساری، مازندران، نشر دانشگاه آزاد اسلامی قائمشهر.
- اسلامی، حسین، (۱۳۸۸)، جغرافیای تاریخی ساری، ساری.
- بازن، مارسل و دیگران، گیلان و آذربایجان شرقی، ترجمه مظفرامین فرشچیان، تهران، ۱۳۶۵ ش
- باقری، ایوب (۱۳۷۴)، مونوگرافی روستای جامخانه، رساله دوره کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری.
- برزگر، اردشیر، (۱۳۸۰)، تاریخ تبرستان، تهران: نشر رسانش.
- پوپ، آرثر اپهام، سیری در هنر ایران، ترجمه نجف دریابندری و دیگران، تهران، ۱۳۸۷ ش
- پورکریم، هوشنگ، (۱۳۵۴) «جفت، واحد تولید سنتی کشاورزی در ایران»، مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران، تهران، ۱۳۵۴ ش، شم ۲.
- پورقنبر، محمدحسن (۱۳۹۳)، "گاو‌میری در مازندران در سال‌های دهه ۱۳۰۰ ش"، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تاریخ محلی مازندران، ساری، نشر هاوژین.
- چایچی امیر خیر، احمد (۲۰۰۵)، تهران: سمیر.
- جعفری قنواقی، محمد (۱۳۹۵/۱/۲۹)، جادو در فرهنگ مردم/مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- حلواچی نشلجی، عباس، (۱۳۹۳)، افسانه‌های نشلگ، مجمع ذخایر اسلامی
- زوم، مصطفی، (۱۴ آذر ۱۳۹۲)، نحوه شکل‌گیری روستاها، مجله الکترونیکی جغرافیا.
- شامببائی، داریوش، فرهنگ لغات و ترکیبات شاهنامه، تهران، ۱۳۷۵ ش؛
- روزنامه شفق سرخ، سال ۱۳۰۴.
- عبادی جامخانه، رضا، (۱۳۹۵)، تاریخ و فرهنگ جامخانه، تهران: شیداسب.
- عبادی جامخانه، محمدرضا، (۱۳۷۵)، رساله مونوگرافی روستای جامخانه، دانشگاه پیام نور بهشهر.
- کریمی اصغر، (۱۳۹۶/۸/۱۳)، خیش، یا گاوآهن، دانشنامه فرهنگ مردم، جلد ۴.
- کرن آرمسترانگ (۱۳۸۶)، دگرگونی بزرگ: جهان در زمان بودا، سقراط، کنفوسیوس و ارمیا، ترجمه نسترن پاشایی و ع پاشایی، انتشارات فروزان.
- کولائی، درویش علی، (۱۳۹۳)، کشف مازندران باستان، ساری، نشر گلچینی.
- گیرشمن، رمان، (۱۳۷۴)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران.
- لبافی، علی اکبر، ۱۷ تیر ۱۳۸۹ شمخ - تخم - ایسی‌یو، مجله الکترونیکی روستای برگجهان.

- فرزانه پور آزاده و همکاران (۱۳۹۶)، واکاوی اصول حاکم بر اجرای مطلوب برنامه درسی درس پژوهی، مجله تدریس پژوهشی دانشگاه کردستان، شماره اول - سال پنجم.
- مجموعه اسناد شخصی بزرگان جامخانه
- مهجوری، اسماعیل، (۱۳۸۱)، تاریخ مازندران، تهران: نشر توس.
- معماریان ح. (۱۳۸۱)، "زمین‌شناسی مهندسی و ژئوتکنیک"، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات.
- وایت، ل. ا.، تکامل فرهنگ، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، ۱۳۷۹ ش؛

